

بایسته‌های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در
ابتدای هزاره سوم

دکتر سیدعلی طباطبائی*

چکیده

جهان اسلام در لحظه ای از زمان قرار گرفته است که آن را باید جزء خطرناک‌ترین لحظات تاریخ آن دانست. گذر سلامت از این زمان پر شتاب، در گرو درک واقعیت‌های این زمان است. بدون شناخت عمیق و درک دقیق نسبت به وضعیت موجود، هیچ راه برون رفتی از این وضعیت محقق نخواهد شد. شناخت این وضعیت باید بدون توجه به قضاوت‌های پیشینی، داورهای ایدئولوژیک، و انگاره‌های ذهنی و تنها با تکیه بر واقعیت‌ها، صورت گیرد.

شرایط موجود جهان اسلام، نیازمند تحولات بنیادین در اندیشه و عمل در جهت کسب جایگاه شایسته و بایسته در عرصه بین‌المللی است. تاریخ، تمدن، ثروت، جمعیت، وسعت و قدرت بالقوه جهان اسلام با وضعیت موجود آن تطبیق نمی‌کند. (۱) بنابراین باید طرحی نو در عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ در انداخت تا جهان اسلام بتواند از تمامی منابع خویش سودجوید و جایگاه خود را در عرصه نظام بین‌المللی، جایگاه شایسته و بایسته‌ای ببیند.

وضعیت داخلی و بین‌المللی در جهان اسلام به هیچ وجه با توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن همخوانی

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم
ندارد و جهان اسلام نیازمند اقدامات اساسی در جهت تغییر و تحول است. بنابراین الزام به اتخاذ استراتژی مناسب در ابتدای هزاره سوم یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. بدون استراتژی مناسب، جهان اسلام توانایی نقش آفرینی در سطح بین المللی را نخواهد داشت.

اتخاذ استراتژی های مناسب توسط جهان اسلام به آنان توانایی استخراج منابع ملی و بین المللی را بخشیده و شرایط را برای قرار گرفتن آن در کانون تحولات منطقه ای و بین المللی و تبدیل شدن به قدرتی بزرگ در عرصه جهانی را فراهم خواهد ساخت. هدف نوشتار حاضر این است که پیش شرط ها، بایسته ها و الزامات برنامه ریزی استراتژیک جهان اسلام را در ابتدای هزاره سوم مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه ها

جهان اسلام، بایسته های استراتژیک، هزاره سوم، پیش شرط ها، فرصت ها و تهدیدها

پیش شرط های برنامه ریزی استراتژیک در جهان اسلام

بیش از هر چیز دیگر برای اتخاذ استراتژی مناسب در جهان اسلام مانیازمند تحقق چهار پیش شرط هستیم که بدون تحقق آنها، استراتژی های جهان اسلام در دنیای متلاطم امروز به سرانجام نخواهد رسید. جهان اسلام برای برنامه ریزی استراتژی مناسب در عرصه جهانی باید چهار پیش شرط را محقق کند. این چهار پیش شرط باید در فضای داخلی جهان اسلام و در سطح نخبگان متحقق گردد تا بعداً در عرصه اقدامات عملی، تجلی خروجی های مطلوب آن را بتوان مشاهده کرد.

این چهار پیش شرط به ترتیب شامل:

شناخت وضعیت موجود جهان اسلام در سطح ملی و بین المللی

اجماع نظر میان نخبگان جهان اسلام پیرامون وضعیت مطلوب

شناخت عمیق قواعد بازی در سطح ملی و بین المللی

اعتقاد و التزام به عمل و نه شعار در نزد سیاستگذاران جهان اسلام می باشد.

همانطور که اشاره رفت، اولین پیش شرط، شناخت دقیق وضعیت موجود جهان اسلام در سطح ملی و بین المللی است. تحقق این شرط نقطه عزیمت هر گونه تغییر و تحول در هر سطحی در جهان اسلام می باشد.

_____ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم ◇

ادراک اینکه جهان اسلام در کجا ایستاده است و به کجا خواهیم رسید و اینکه جایگاه جهان اسلام در سطح بین المللی کجاست، از مهمترین موضوعات در اتخاذ هر استراتژی در سطح ملی و بین المللی است.

درک وضعیت موجود نباید مبتنی بر پیش فرض های ذهنی و انگاره های پیشینی باشد. درک این وضعیت تنها باید مبتنی بر واقعیات عینی صورت گیرد. فرصت ها و تهدیدهای درون و برون جهان اسلام باید به درستی شناخته شوند و بدون تعصب نسبت به عملکرد پیشین، وضعیت موجود تبیین گردد. (۲) بنابراین در این چارچوب، اولین پیش شرط برای برنامه ریزی استراتژیک در جهان اسلام شناخت وضعیت موجود در سطح ملی و بین المللی است.

دومین پیش شرط برنامه ریزی استراتژیک در جهان اسلام اجماع نظر میان نخبگان جهان اسلام پیرامون وضعیت مطلوب است. اینکه آینده مطلوب جهان اسلام در سطح ملی و بین المللی چگونه آینده ای است و این آینده مطلوب کدام است، باید در سطح نخبگان به اجماع رسد.

جهان اسلام نیازمند بازسازی درک و برداشت خود از زمان و مکان در عصر تغییرات و تحولات پرسرعت است. جهان اسلام در شرایط کنونی در آستانه ورود به آینده خود و آفرینش آینده خود است. بی تردید شکل ظهور و تحقق این آینده در گرو اندیشه و اراده معطوف به عمل، قدرت تصمیم سازی و تدبیرپردازی نسل امروز در جهان اسلام است. به بیان دیگر، آینده انسان مسلمان و جهان اسلام در چگونگی تدبیر دوران گذار و تثبیتی نهفته است که امروز در بطن و متن آن می زید. (۳)

جامعه امروز جهان اسلام به ویژه نخبگان فکری و ابزاری آن هنوز درباره آینده جهان اسلام به اجماع نظر دست نیافته اند. «آینده» هنوز طرحی روشن در ذهن نخبه مسلمان نیست و هندسه وضعیت مطلوب در افکار نخبگان مسلمان هنوز تثبیت نگردیده است. بنابراین اجماع پیرامون وضعیت مطلوب در سطح نخبگان جهان اسلام، مشخص کننده ی آینده ای است که ما برای رسیدن به آن باید از دنیای پرتلاطم امروزی گذر کنیم.

پیش شرط سوم برای برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام، شناخت عمیق قواعد بازی در سطح ملی و بین المللی است. این بدین معنا است که بدون این شناخت، رفتار متقابل و کنش و واکنش ما بدون توجه به فضای ظرف ملی کشورهای اسلامی و محیط بین المللی صورت گرفته و مطمئناً نتیجه بخش نخواهد بود.

دنیای امروز با قواعد مشخص و معینی به هم مرتبط است و بازیگران نمی توانند بدون توجه به این

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم

قواعد که کدهای استاندارد رفتاری در سطح جهان است به نتیجه برسند.

از جمله این قواعد بازی می توان از فرایندهای دموکراتیک، در عرصه سیاست داخلی، بازار آزاد و وابستگی متقابل در عرصه اقتصادی، گفت و گو و مدیریت بحران ها با راهکارهای مسالمت آمیز و عمل به پیمان های بین المللی در عرصه سیاست خارجی را نام برد. به هر روی قواعد بازی در سطح ملی و بین المللی راهنمای کدهای رفتاری واحدهای سیاسی و دلیلی موجه برای مقبولیت و مشروعیت هر نظام سیاسی و مجموعه فکری در سطح جهان می باشد. (۴)

آخرین پیش شرط برنامه ریزی استراتژیک در جهان اسلام، التزام و اعتقاد به عمل و نه شعار است. دنیای امروز نه محصول حرف و شعار، بلکه محصول تفکر و عمل است. به نظر می رسد با گذشت بیش از نیم قرن از خیزش کشورهای اسلامی هنوز مهمترین دغدغه مسئولان و مقامات کشورهای اسلامی را گفت و گوهای فلسفی و تردید و تشکیک نسبت به متون، لفظ و حرف افراد پیرامون شان و واکنش نسبت به آن شکل می دهد.

دولتمردان کشورهای اسلامی نباید بحث فلسفی کنند، بحث فلسفی متعلق به دانشگاهیان است. دولتمردان باید تفکر حل المسائلی داشته باشند. وضعیت موجود در کشورهای اسلامی بیشتر انرژی افراد، گروه ها و نهادها را صرف جار و جنجال های بی مورد در موضوعات متفاوت و غوغاسالاری می گرداند. (۵)

بنابراین زمانی که تفکر شعار محور تبدیل به تفکر عمل محور معطوف به هدف شد و عمل و تنها عمل دغدغه فکری متفکران و مسئولان مسلمان گردید و فوریت ها، اولویت ها، فرصت ها و تهدیدها شناخته شد، می توان انتظار داشت تا برنامه ریزی ها و اقدامات به ثمر بنشینند. در این چارچوب برای برنامه ریزی استراتژیک جهان اسلام و تحقق اهداف بلند آن تنها باید عمل کرد.

پس از تحقق چهار پیش شرط مزبور، ۱۰ بایسته ذیل برای برنامه ریزی استراتژیک در جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم باید تحقیقاً در برنامه ریزی و اتخاذ استراتژی های جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد تا استراتژی های اتخاذی جهان اسلام مقرون به واقعیت و صحت گردد. این بایسته ها که در برنامه ریزی های استراتژیک جهان اسلام باید مورد نظر قرار گیرند، عبارتند از:

توجه به ارزش های تمدنی جهان اسلام

توجه به قدرت جهان اسلام

توجه به فوریت ها و اولویت های جهان اسلام

توجه به تهدیدات و فرصت های جهان اسلام

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم

توجه به نیازهای مشترک جهان اسلام
توجه به واقعیت های موجود جهان اسلام و قابلیت اجرای برنامه ها
توجه به متغیرهای محیطی جهان اسلام
توجه به متغیرهای زمانی جهان اسلام
توجه به همکاری با جهان نه رویارویی با آن
توجه به عدم وابستگی به بلوک های قدرت جهانی.

بایسته های برنامه ریزی استراتژیک در جهان اسلام

۱. توجه به ارزش های تمدنی جهان اسلام

ارزش های تمدنی جهان اسلام شامل مجموعه دستاوردهای معنوی و مادی جهان اسلام در طول ۱۴۰۰ سال گذشته است. برآیند این ارزش های تمدنی موجب شکوه و عظمت جهان اسلام در طول تاریخ گردیده است. (۶)

ارزش های تمدنی جهان اسلام به مثابه زنجیری است که می تواند مجموعه جهان اسلام را به هم پیوند زده و زیربنای تاریخی مستحکمی از دستاوردهای مادی و معنوی را برای امروز جهان اسلام فراهم سازد. بدون تردید هر برنامه ریزی استراتژیکی که به دنبال تحقق آرمان ها و اهداف جهان اسلام باشد ولی به ارزش تمدن جهان اسلام بی توجه باشد ره به جایی نخواهد برد و محکوم به شکست است. ارزش های تمدنی جهان اسلام به مثابه چهارچوبی استوار است که به هر برنامه ریزی استراتژیکی معنا و مفهومی اسلامی می بخشد و هویت بخش و زینت بخش هر برنامه ریزی استراتژیکی است که دغدغه پیشرفت جهان اسلام را داشته باشد.

ارزش های تمدنی جهان اسلام چون بستر مستحکمی است که بایستی هر گونه برنامه ریزی استراتژیک بر روی آن بنا گردد و به پیش رود. بنابراین هر برنامه ریزی استراتژیکی که به پیشینه تاریخی و ارزش تمدنی جهان اسلام - که عظمت بخش اعظم جهان اسلام مبتنی بر آن است - اهتمام نوردد، آن برنامه فاقد ریشه های اسلامی و فاقد مولفه های اساسی تأثیرگذار یک استراتژی منسجم و مطلوب می باشد.

۲. توجه به قدرت جهان اسلام

جهان اسلام تمامی مولفه های قدرت در سطح بین المللی را داراست و به شکل بالقوه و بالفعل یک نیروی

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم

مؤثر در عرصه تعاملات نظام بین الملل است. قدرت جهان اسلام قدرتی چند وجهی است که وجوه گوناگون قدرت آن، تکمیل کننده یکدیگرند. از این رو قدرت جهان اسلام در برگیرنده مجموعه توانمندی های مادی و معنوی آن و ژئوپلیتیک بی همتای جهان اسلام است. بنابراین قدرت جهان اسلام در سه عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد بسیار چشمگیر و تعیین کننده است.

در برنامه ریزی برای اتخاذ استراتژی های جهان اسلام، بی توجهی به قدرت چند وجهی جهان اسلام و تمسک به قدرت های دیگر یک اشتباه بزرگ است. قدرت جهان اسلام تمامی مولفه های قدرتی لازم را در اختیار برنامه ریزان استراتژیک جهان اسلام قرار می دهد تا با تکیه بر این توانایی ها، به برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام بپردازند.

بنابراین قدرت جهان اسلام بایسته ای مهم برای برنامه ریزی های استراتژیک جهان اسلام در دنیای کنونی است.

۳. فوریت ها و اولویت های جهان اسلام

جهان اسلام در نظام بین الملل موجود با توجه به پتانسیل های بالقوه و بالفعل و متغیرهای مکانی و زمانی مرتبط با آن بایستی به نقش آفرینی پرداخته و به الزامات جهانی پاسخ گوید. در این راستا به مانند هر سیستم سیاسی - فرهنگی دیگری، جهان اسلام می بایستی، فوریت ها و اولویت های استراتژیک خود را مشخص کرده و با تمرکز بر آنها و با استفاده از منابع موجود، به تحقق فوریت ها و اولویت های جهان اسلام کمک نماید.

تغییر در اولویت ها و فوریت های جهان اسلام می تواند تأثیر ژرف و تعیین کننده ای بر استراتژی های جهان اسلام داشته باشد.

بنابراین در تعیین فوریت ها و اولویت های استراتژیک جهان اسلام بایستی با توجه به اهداف، منافع، مصالح، تهدیدات، فرصت ها و محذورات و مقدرات جهان اسلام از نظر مادی و معنوی و همچنین متغیرهای محیطی و زمانی، قواعد بازی در سطح جهان، بازی بازیگران جهانی و توانایی های بازیگران رقیب توجه کرد.

تعیین فوریت ها و اولویت های جهان اسلام خطوط راهنما و نقشه راهنمای جهان اسلام برای پیمودن راه به سوی توسعه همه جانبه و اقتدارمندی در سطح جهان خواهد بود.

_____ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم \diamond

تعیین فوریت ها و اولویت های جهان اسلام هم معطوف به برآورده کردن نیازهای مادی جهان اسلام و هم معطوف به تحقق عظمت و مجد معنوی جهان اسلام است. بایستی به این دو، به عنوان دو بال جهان اسلام برای پرواز در اوج قدرت نظر کرده شود.

۴. توجه به تهدیدات و فرصت های جهان اسلام

در زمینه بایسته های برنامه ریزی استراتژیک در جهان اسلام برای هزاره سوم باید دو مؤلفه اساسی تهدیدات و فرصت ها را هم در نظر گرفت.

تهدیدات مجموعه عواملی هستند که منافع مادی و معنوی جهان اسلام را دچار چالش کرده و شرایط محدود کننده برای آنها بوجود می آورند. همچنین فرصت ها، موقعیت های جدید و بهتری هستند که می توانند منافع مادی و معنوی جهان اسلام را بهینه سازی کرده و حداکثری نمایند.

در این راستا، اتخاذ هر استراتژی که توجه به این دو عامل را نهادینه ناسازد، محکوم به شکست است. فرصت ها و تهدیدهای جهان اسلام هم از درون جهان اسلام و هم از بیرون این جهان می توانند سرچشمه گیرند و منافع مادی و معنوی جهان اسلام را به چالش گیرند.

جهان اسلام به مثابه یک نیروی مؤثر سوم در عرصه تعاملات بین المللی، کشگری ذره ای یا اتمیستی [به مفهوم جدا از دیگر بازیگران نظام بین الملل] نیست. به این دلیل می باید در تدوین استراتژی نسبت به مولفه تهدیدات در عرصه نظام بین الملل توجه لازم را مبذول نماید.

محور اساسی - راهبردی جهان اسلام در این زمینه می باید عقلانیت خود را در باب تهدیدات و فرصت ها را به حداکثر برساند و در عین حال نسبت به دیگر دستاوردهای نیروهای مؤثر در تعاملات بین المللی که می تواند تهدیدزا یا فرصت زا باشد، بی تفاوت نباشد. عقلانیت مدنظر در اینجا به مفهوم وجود ترجیحات منظم و یکپارچه، قدرت محاسبه سود و زیان و تلاش برای به حداکثر رساندن سود است.

با افزایش دستاوردها، جهان اسلام می تواند به مصونیت از تهدید چه به صورت عینی و چه ذهنی دست یابد و فرصت های خود را بهینه و حداکثری نماید.

بنابراین جهان اسلام در تدوین استراتژی خود بایستی به مقوله فرصت ها و تهدیدها به عنوان یک موضوع حیاتی بنگرد و استراتژی هایی را اتخاذ نماید که تهدیدها را تبدیل به فرصت و فرصت ها را تبدیل به فرصت های بزرگتری نماید. (۷)

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم

۵. معطوف به نیازمندی های مشترک جهان اسلام

جهان اسلام متشکل از حدود ۶۰ کشور و پراکندگی جغرافیایی گسترده ای در اقصی نقاط جهان است. از اندونزی در شرق آسیا تا آلبانی در مرکز اروپا و تا مراکش در شرق آفریقا، کشورهای اسلامی با ویژگی های منحصر به فرد، قابلیت های خاص و توانایی های ویژه خود حضور دارند. بنابراین در برنامه ریزی برای استراتژی های مناسب برای جهان اسلام احصا و گردآوری این توانمندی ها و در کنار آن نیازمندی های این کشورها دارای اهمیت حیاتی است.

پس از گردآوری این توانمندی ها و نیازمندی ها، باید نیازمندی های مشترک جهان اسلام را شناخت و برای تامین این نیازمندی ها اقدامات مقتضی را صورت داد.

نیازمندی های مشترک جهان اسلام هم معطوف به نیازمندی های معنوی وهم نیازمندی های مادی کشورهای اسلامی است. توجه به نیازمندی های معنوی کشورهای اسلامی موجب هر چه محکم تر شدن پیوندهای معنوی میان مسلمانان در اقصی نقاط جهان می گردد و توجه به نیازهای مادی و تحقق آنها اقتدار و عزت بیشتر مسلمانان را به ارمغان خواهد آورد. بنابراین برنامه ریزی های استراتژی برای جهان اسلام بایستی معطوف به نیازمندی های مشترک جهان اسلام و نه بخش یا بخش هایی از آن باشد.

۶. منطبق با واقعیت های جهان اسلام و با قابلیت اجرا

تدوین استراتژی برای اقدام به حرکت در مسیری است که می بایست وضعیت موجود را تبدیل به وضعیت مطلوب کند. در این راستا بنا به گفته برنارد برودی، نظریه استراتژیک، نظریه اقدام است. اقدام در این چارچوب باید براساس واقعیت ها صورت گیرد و قابلیت اجرا داشته باشد.

استراتژی مبتنی بر خیال پردازی، بزرگ نمایی قدرت خود، کوچک نمایی قدرت رقیب و ساده سازی واقعیت ها راه به جایی نخواهد برد.

جهان اسلام به عنوان یک مجموعه مهم در نظام بین الملل نیز در اتخاذ استراتژی می بایستی به واقعیت های جهان اسلام نگاهی عمیق داشته و آن را به کار گیرد. واقعیت های جهان اسلام شامل تمامی نقاط ضعف و قدرت، فرصت ها و تهدیدها، گذشته تاریخی، پیروزی سالم، شکست ها، واقعیت ها و مجموعه عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام است.

یک استراتژی کارآمد برای جهان اسلام تنها زمانی می تواند معطوف به اقدام باشد که اساس آن بر

_____ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم ◇
واقعیت های جهان اسلام و قابلیت اجرای استراتژی‌ها استوار باشد. در غیر این صورت استراتژی های تخیلی که تنها برای رضایت خاطر نویسندگان است و نه اقدام عملی، در جهان امروز راهگشا نخواهند بود. به واقع در تدوین هر گونه استراتژی برای جهان اسلام در هزاره سوم باید به این نکته اساسی توجه نمود که بدون در نظر گرفتن واقعیت های راهبردی موجود در جهان اسلام، بازتعریف یک استراتژی مؤثر، میسر نخواهد بود.

بر این اساس در استراتژی تدوین شده برای جهان اسلام، مشخصه هایی نظیر الگوهای رفتاری ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی، امنیت، تهدید، همگرایی و واگرایی های احتمالی در محاسبات و برآوردهای عملی بایستی لحاظ گردد.

البته باید توجه نمود که دستیابی به الگوی کمی همترازسازی و تعیین ضرایب کمی عینی برای این مولفه ها اندکی دشوار است که نیازمند احاطه کافی اندیشمندان و برنامه ریزان جهان اسلام است.

۷. توجه به متغیرهای محیطی جهان اسلام

در جهت تدوین استراتژی های مناسب برای جهان اسلام باید به متغیرهای محیطی جهان اسلام توجه کافی مبذول داشت. در این راستا، متغیرهای محیطی را باید در دو سطح ملی و فراملی بررسی نمود.

۱. متغیرهای ملی

توجه به متغیرهای محیطی جهان اسلام در سطح ملی از آن جهت دارای اهمیت است که بدون وجود بستر مناسب در سطح ملی، هر گونه اقدام در سطح جهان اصولاً امکان پذیر نخواهد بود. در این راستا اولین متغیر محیطی مهم در سطح ملی در جهت تدوین استراتژی های مناسب برای جهان اسلام توجه به فضای عمومی و افکار عمومی درون کشورهای جهان اسلام و فضای ادراکی- روان شناختی رهبران ملی کشورهای جهان اسلام می باشد. تصمیم سازی های رهبران کشورهای جهان اسلام دارای نقش تعیین کننده ای است. بنابراین در تدوین هر گونه استراتژی بایستی محیط روانی و برداشت های ذهنی رهبران کشورهای جهان اسلام مورد ارزیابی قرار گیرد.

دومین متغیر محیطی در سطح ملی توجه به فضای داخلی کشورهای اسلامی است. فضای داخلی شامل پوشش قدرت در درون کشورهای اسلامی، فضای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه است. به هر اندازه این

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم

فضا توسعه یافته تر و کارآمدتر باشد، شرایط برای اتخاذ استراتژی های بهینه تر مهیاتر، خواهد شد. کشورهای اسلامی از نیمه اول قرن گذشته بیداری سیاسی قوی را تجربه کرده اند. در نتیجه این بیداری سیاسی، اکثریت کشورهای اسلامی استقلال سیاسی را به دست آورده اند. امید است که استقلال سیاسی این کشورها منجر به شکل گیری جوامع مدرن با اقتصادهای قوی مبتنی بر کاربرد علم و تکنولوژی گردد.^۱

توجه به ارتقای ظرفیت ها و قابلیت های منابع انسانی دولت های اسلامی در مسیر توسعه در بلندمدت نکته کلیدی دیگری است که در این مسیر باید لحاظ گردد. (۸)

۲. متغیرهای فراملی

در چارچوب متغیرهای محیطی و سطح متغیرهای فراملی و برای تدوین استراتژی باید به متغیرهای نظام بین الملل، بازی بازیگران مهم و قواعد بازی توجه کافی داشت. نظام بین الملل سیستمی است که کلیه زیر سیستم های بین المللی را در بر گرفته و آنها را از خود متأثر می کند.

شناخت عمیق این سیستم و روندهای حاکم بر آن در برنامه ریزی های استراتژیک جهان اسلام دارای اهمیت اساسی است. جهان اسلام در تعامل با این سیستم باید این نکته را مدنظر قرار دهد که سیستم جهانی امروز گسترده تر و چند بعدی تر از هر زمان دیگری در تاریخ است. (۹)

همچنین برنامه ریزی استراتژیک باید به بازی بازیگران مسلم جهانی توجه داشت. بازیگران مهم جهانی اعم از بازیگران دولتی و بازیگران غیردولتی در پویای قدرت، تولید ثروت و توزیع ارزش های جهانی دارای نقش تعیین کننده ای هستند و بدون لحاظ آنها هیچ برنامه استراتژیکی محقق نمی یابد.

توجه به قواعد بازی در سطح فراملی نیز دارای ارزش بالایی است. بی توجهی به قواعد بازی در سطح بین المللی در برنامه ریزی های استراتژیک موجب بی اثر شدن استراتژی در مرحله عمل می گردد.

بنابراین قواعد بازی در سطح بین المللی باید عمیقاً مورد شناسایی قرار گیرند و در برنامه ریزی های استراتژیک برای جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرند.

۸. توجه به متغیرهای زمانی جهان اسلام

استراتژی که معطوف به زمان مشخص نباشد و متغیرهای زمانی در آن لحاظ نشده باشد فاقد مولفه های

1- Strategy for the development of science and technology in Islamic countries, published by Islamic educational, scientific and cultural organization (ISESCO), 2000.

_____ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم ◇

یک استراتژی منسجم و مطلوب است و نمی توان عنوان استراتژی بر آن اطلاق نمود.

جهان امروز، جهانی بسیار پیچیده و در هم تنیده است که متغیرهای متنوع، متضاد و گوناگونی بر آن تأثیر می گذارند. در دنیای امروز سرعت در کلیه وجوه پدیده ها نمود یافت و از این رو تنها عنصر با ثبات، بی ثباتی است. (۱۰)

دنیای امروز به شدت از تکنولوژی های نوین متأثر گردیده و از این رو هر لحظه آن یک لحظه دیگر با ویژگی های جدید است. در این چارچوب، تدوین استراتژی بدون در نظر گرفتن متغیرهای زمانی، مقرون به صحت و واقعیت نیست. بنابراین برای برنامه ریزی برای استراتژی در جهان اسلام، بایستی کلیه متغیرهای زمانی و عناصر تأثیرگذار بر آن را به درستی شناخت و عمل کرد.

در پیامد تغییرات شگرف در سپهرهای سیاست، اقتصاد و فرهنگ زمانه امروز بسیار متفاوت از گذشته است و مولفه ها و عناصر تأثیرگذار بر آن در حال تغییر دائمی هستند. بنابراین در برنامه ریزی استراتژی های مناسب برای جهان اسلام، شناخت عمیق زمان دارای اهمیت بسیار بالایی است. (۱۱)

برنامه ریزی استراتژی و تدوین استراتژی بدون توجه به متغیر زمان و بایسته های زمانی هیچگاه مقرون به صحت نخواهد بود.

۹. معطوف به همکاری جهانی، نه رویارویی با آن

جهان امروز در پرتو جهانی شدن بیش از هر زمان دیگری از تاریخ بشر، به هم پیچیده در هم تنیده و به هم نزدیک گردیده است. از این رو هیچگاه تصمیم و اقدامی در زمانه امروز بدون تأثیرگذاری بر محیط و تأثیرپذیری از محیط قابلیت اجرایی ندارد. تمامی متغیرهای ذی مدخل نظام بین الملل به نسبت های متفاوت از یکدیگر تأثیر می پذیرند و بر یکدیگر تأثیر می گذارند.

بنابراین هر گونه تصمیم معطوف به اقدام در عصر جهانی شدن به شکل مستقیم و غیرمستقیم با محیط پیرامونی تماس می یابد. اگر این تصمیمات و اقدامات در راستای رویارویی با جهان باشد، تحقیقاً محقق نخواهد شد.

مهمترین هنجار پذیرفته شده در جهان امروز همکاری و همیاری تمامی کشورهای بلوک های قدرت براساس قاعده بازی برد- برد است و بدون آن هیچ بلوکی به صورت فراگیر در جهان به سرانجام نخواهد رسید. (۱۲)

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم

برنامه ریزان جهان اسلام با پذیرش و اجرای این قاعده بازی یعنی همکاری با جهان نه رویارویی با آن بایستی استراتژی های خود را برنامه ریزی کنند تا در صحنه عمل به اجرا درآید. امروزه هر برنامه ریزی استراتژیکی که در جهت تقابل با دنیا و رویارویی با آن ترسیم گردد، کامیاب نخواهد بود. تنها در پرتو شناخت جهان پیرامون و براساس همکاری و مشارکت با سایر بازیگران بایستی استراتژی های جهان اسلام را برنامه ریزی نمود و آنها را محقق کرد.

۱۰. عدم وابستگی به بلوک قدرت جهانی

در برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در هزاره سوم باید به نکته اساسی عدم وابستگی به بلوک قدرت جهانی توجه نمود.

جهان اسلام، با اتخاذ سیاستگذاری های مستقل از اهداف راهبردی قدرت های بزرگ است که می تواند سطح تأثیرگذاری خود در نظام بین المللی را افزایش دهد.

به واقع اگر برنامه ریزی استراتژی جهان اسلام متأثر از مقاصد قدرت های بزرگ باشد، استراتژی اتخاذ شده، استراتژی قدرت های بزرگ و نه جهان اسلام خواهد بود.

بر این اساس طراحان برنامه ریزی استراتژیک جهان اسلام باید به این مطلب توجه نمایند که در تدوین برنامه فوق، هر گونه گرایش راهبردی یا تاکتیکی به هر کدام از قدرت های بزرگ میتواند به منزله سیاست تبعیت و دنباله روی از برنامه های قدرت های بزرگ تلقی گردد که در نتیجه با تغییر در بایسته های استراتژیک آنها استراتژی های جهان اسلام نیز تغییر می یابد و این مساله به هیچ وجه منطبق با عزت جهان اسلام نیست.

جهان اسلام با توجه به داشته های بالقوه خود می تواند به منزله یک بلوک قدرت مستقل در عرصه تعاملات بین المللی قلمداد گردد و لذا بهترین کار ویژه اندیشمندان جهان اسلام می باید حول محور تقویت و ارتقای ظرفیت های بالقوه و بالفعل جهان اسلام متمرکز گردد.

آنچه مسلم است در شرایط کنونی جهان یکی از راهکارهای مؤثر در تقویت عدم وابستگی جهان اسلام به بلوک قدرت جهانی تقویت وحدت کشورهای اسلامی و بازتعریف مفهوم امت است. (۱۳)

هدف قدرت های بزرگ حداکثری نمودن منافع خود در جهان پیچیده امروزی و براساس دیدگاه های توسعه طلبانه است. بنابراین پیوند زدن برنامه ریزی های استراتژیکی جهان اسلام با فکر و عمل قدرت

_____ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم ◇
های بزرگ خطایی نابخشودنی است. در این راستا برنامه ریزی استراتژی جهان اسلام باید حول توانمندی
های جهان اسلام و استقلال از بلوک های جهانی قدرت صورت پذیرد. جهان اسلام نیاز ضروری به تغییر
رویکردهای ساختاری خویش در مسیر توسعه دارد. (۱۴)

نتیجه گیری

شرایط زمانی، ویژگی های خاص بین المللی و نیازهای ویژه جهان اسلام از عمده ترین دلایل قابل
ذکر برای تفکر و عمل در مورد اتخاذ و اعمال برنامه ریزی های استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای
هزاره سوم است. پس از فراهم آمدن چهار پیش شرط و ده بایسته یاد شده در این نوشتار، برای برنامه ریزی
استراتژیک در جهان اسلام، باید به سوی تدوین استراتژی در جهان اسلام رفت.
مرحله پس از تدوین استراتژی، اجرای استراتژی در جهان اسلام است که پس از آن مرحله کنترل و
ارزیابی استراتژی را باید صورت داد تا بازخورد اجرای استراتژی مشخص شده و نقاط ضعف بر طرف گردیده
و نقاط قوت آن تقویت گردد.
نخبگان و اندیشمندان جهان اسلام در قالب ساز و کارهای جهان اسلام همانند سازمان کنفرانس
اسلامی می توانند امکان اتخاذ و اجرای چنین استراتژی را برای جهان اسلام مورد بررسی و امعان نظر
قرار دهند. در برنامه ریزی در جهت اتخاذ و اعمال چنین استراتژی جهان اسلام می تواند از اقدامات جهانی
صورت گرفته در این چهارچوب همانند اهداف هزاره سازمان ملل متحد نیز بهره برداری کند.

یادداشت‌ها

1- See: John Balis and Steve Smith (editors), *The Globalization of World Politics*, (New York: Oxford University Press, 2005), PP. 548-552.

2- See: Khalid Abou El Fadl, *The Great Theft (Wrestling Islam from the Extremists)*, New York, Harper San Francisco, 2005, P.4.

3- See: Akbar S Ahmad, *Islam Under Siege* (Cambridge: Polity Press, 2003), PP. 153-156.

4- See: John L. Esposito and Francois Buryat (editors), *Modernizing Islam* (New Jersey: Ruters University Press, 2003), PP. 113-65.

۵- نگاه کنید به: محمود سریع القلم، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹)، ص ۱۵۷.

6- See: Mehdi Mozafari (editor), *Globalization and Civilization* (Rutledge Publishers, 2002), P. 213.

7- See: Mir Zohair Husain, *Global Islamic Politics*, Longman, Second Edition, 2003, PP. 338-353.

8- See: Akira Kohsaka (editor), *New Development Strategies*, (London: Palgrave, 2004), P. 131.

9- Roger King and Gavin Kendall, *The State, Democracy & Global Politics*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2004), PP. 4-5.

10. Yale H. Ferguson and Richard W. Mansbach, *Remapping Global Politics*, (Cambridge: Cambridge University Press. 2004), PP. 4-5.

11. See: Mehran Kamrava, (editor), *The Voices of Islam*, (New York: Tauris and Co. Ltd Press 2006), P.100

12. Benedicte Ball and Desmond McNeill, *Development Issues in Global Governance* (London: Routledge Publishers, 2007), P. 44.

◇ بایسته های برنامه ریزی استراتژیک برای جهان اسلام در ابتدای هزاره سوم _____

13. Ali Mohamadi. (editor), *Islam Encountering Globalization*, (Rutledge Press, 2002), P. 61.

14. Ernst G. Frankel, *Managing Development*, (Palgrave, 2005), P. 284.